

بازتعریف سیاست‌های امنیتی ژاپن و پیامدهای ملی و بین‌المللی آن

زینب فرهادی^۱

بهاره سازمند*

سید مسعود موسوی شفقانی^۳

محسن اسلامی^۴

چکیده

در دوران پس از جنگ سرد، چالش‌های در حال رشد در نظام بین‌الملل و منطقه شرق آسیا الزامات جدید رفتاری را برای ژاپن تعریف کرد و همین مسئله منجر به تغییر در تنظیمات و پایه‌های سیاست‌های امنیتی در ژاپن شد. در این فرایند ژاپن گام‌های مثبتی در مسیر عادی‌سازی سیاست دفاعی خود برداشت که منجر به فاصله گرفتن از یک سیاست خارجی منفعل و وابسته در نظام بین‌الملل و نزدیک شدن به یک دولت با توانمندی بالای اثرگذاری در صحنه بین‌المللی و منطقه‌ای شد. از میان برداشتن ممنوعیت صدور تسلیحات، تفسیر قانون اساسی ژاپن (بند ۹) در سال ۲۰۱۵، تغییرات در دستورالعمل همکاری دفاعی با آمریکا با تأکید بر ژاپن فعال‌تر بخشی از شاخص‌های تغییر در سیاست امنیتی ژاپن در سال‌های اخیر است. با مرور گزاره‌های فوق این سؤال مطرح می‌شود که این تحول مستمر و پیش‌رونده باهدف احیای نقش ژاپن در روندهای امنیتی چه پیامدهایی در سطوح ملی و بین‌المللی به همراه دارد؟ در پاسخ به این سؤال فرضیه پژوهش حاضر بر این مبنا استوار است که در بعد ملی تقویت بازدارندگی این کشور و گسترش نقش آن در حوزه تسلیحات و در بعد بین‌المللی تقویت هژمونی آمریکا و تغییر و گسترش همکاری و نفوذ نظامی ژاپن در جامعه بین‌المللی و مناطق مختلف از جمله مهم‌ترین پیامدهای متصور برای تغییرات راهبردی ژاپن است. روش پژوهش مقاله پیش رو توصیفی و تحلیلی است و روش گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای و مبتنی بر اسناد و آمارهای بین‌المللی خواهد بود.

واژگان کلیدی: ژاپن، ایالات متحده آمریکا، نظم منطقه‌ای، فروش تسلیحات، افکار عمومی، بازدارندگی

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس

۲. دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران

* bsazmand@ut.ac.ir

۳ و ۴. به ترتیب دانشیار و استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۱۸

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم، شماره پیاپی سی و یکم، صص ۴۲-۷

مرور رویدادهای پس از جنگ سرد حکایت از آن دارد که پارادایم‌های امنیتی در حال تغییر هستند و به تبع آسیب‌پذیری دولت‌ها به سوی جدیدی در حال حرکت است (Florescu & Glenn, 2015:7). بدیهی است با تغییر در شرایط امنیتی که کشورها با آن مواجه هستند تغییرات در راهبردهای امنیتی به منظور پاسخگویی به این شرایط جدید اتفاق بیفتد و در این میان آنچه به نظر بسیار مهم به نظر می‌رسد تأثیری است که راهبردها و استراتژی‌های جدید امنیتی در سطوح مختلف از خود به جای می‌گذارند.

تا پیش از هزاره سوم ژاپن برای تأمین امنیت ملی خود وابسته به اتحاد دوجانبه با ایالات متحده آمریکا بود و در این اتحاد از «سواری رایگان» آمریکا بهره می‌برد. در حوزه بین‌المللی نیز تمامی اقدامات ژاپن مبتنی بر ابزارهای غیرنظامی بود و این کشور از طریق کمک‌های مالی، بشردوستانه و پشتیبانی لجستیکی به ایفای نقش در مأموریت‌های بین‌المللی نظیر عملیات حفظ صلح سازمان ملل می‌پرداخت. پویایی‌های امنیتی که محیط پیرامونی ژاپن را در سال‌های اخیر دستخوش تغییر قرار داده‌اند باعث پیدایش یک توافق عمومی در میان رهبران و مردم ژاپن در رابطه با تهدیدات امنیت ملی و نحوه پاسخ‌دهی به آن‌ها شد. در همین راستا ایده امنیت جامع و تأکید بر تمامی ابعاد امنیتی (نظامی، اقتصادی و...) با در نظر داشت تهدیدات سنتی و غیر سنتی در نظام بین‌الملل کم‌کم جای رویکرد اقتصادی در صحنه بین‌المللی و تأمین امنیت ملی در چارچوب وابستگی به ایالات متحده را گرفت. در این رویکرد که در سال‌های اخیر و در لایحه‌های مختلف امنیتی بروز داده شده ژاپن با گسترده کردن اهداف امنیتی به فراتر از ابعاد ملی امنیت سه راهبرد را در حوزه سیاست‌های نظامی و دفاعی به کار بسته است که شامل: اصلاح ساختارهای نظامی و دفاعی داخلی با هدف نیرومندسازی ژاپن (چه به لحاظ قانون‌گذاری و چه به لحاظ سازمانی)، بازتعریف نقش ژاپن در اتحاد با ایالات متحده و کسب اطمینان از استمرار اتحاد با ایالات متحده آمریکا به عنوان متحد استراتژیک ژاپن و در نهایت گسترش بعد نظامی و امنیتی در همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی. واضح است تحول در سیاست نظامی ژاپن با توجه به مشخصات امنیتی در حال افزایش ژاپن (به‌طور خاص تغییرات در بخش‌های نظامی و تلاش برای بازیگری فعالانه) و

انتخاب‌هایی که ژاپن در راهبردهای نظامی و سیاست خارجی خود انجام می‌دهد با توجه به این گزاره که این کشور متحد اصلی آمریکا در آسیا است تأثیر قابل توجهی بر سطوح مختلف خواهد گذاشت. در همین راستا این سؤال مطرح می‌شود که تحولات امنیتی ژاپن با تأکید خاص بر حوزه نظامی و تلاش برای ایفای نقش پررنگ در روندهای بین‌المللی چه پیامدهایی بر سطوح ملی و بین‌المللی دارد؟ در پاسخ به این سؤال فرضیه پژوهش حاضر بر این مبنا استوار است که در بعد ملی تقویت بازدارندگی این کشور و گسترش نقش آن در حوزه تسلیحات و در بعد بین‌المللی تقویت هژمونی آمریکا و گسترش همکاری و نفوذ نظامی ژاپن در جامعه بین‌المللی و مناطق مختلف از جمله مهم‌ترین پیامدهای متصور برای تغییرات راهبردی ژاپن است.

سازمان‌دهی مقاله پیش رو به این صورت است که در ابتدا نگاهی به فرازوفرودهای سیاست خارجی ژاپن انداخته می‌شود، سپس به پیامدهای ملی تحولات امنیتی ژاپن پرداخته می‌شود. این بخش شامل ابعاد نظامی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، سیاسی و امنیتی و در نهایت فناوری خواهد بود. بخش سوم مقاله به بررسی پیامدهای بین‌المللی می‌پردازد که به ترتیب شامل تأثیر بر روابط دوجانبه با ایالات متحده آمریکا، تأثیر بر نظم منطقه‌ای و جهانی، افزایش درگیری و همکاری با سایر مناطق (شامل خاورمیانه، اروپا، آسیای مرکزی، آفریقا)، افزایش کنشگری ژاپن در روندهای امنیتی بین‌المللی (شامل عملیات حفظ صلح سازمان ملل، دزدی دریایی، همکاری نظامی با ناتو) خواهد بود. نتیجه‌گیری بخش پایانی این مقاله خواهد بود.

۱. فرازوفرودهای سیاست خارجی: فرایند بازتعریف سیاست‌های امنیتی ژاپن

مرور سیر تحول سیاست‌های ژاپن در حوزه امنیت ملی و امور دفاعی در دوره زمانی پس از جنگ سرد نشان می‌دهد که این کشور گام‌های آهسته و پیوسته‌ای باهدف تعدیل و اصلاح سیاست‌های امنیتی (چه در حوزه سیاست خارجی و چه در حوزه مسائل نظامی) و دامنه کنشگری در معادلات و جریان‌ات امنیتی منطقه‌ای و بین‌المللی و در نهایت در جهت تبدیل شدن به یک دولت عادی برداشته است. اگرچه در دوران پس از جنگ جهانی دوم تا سال ۱۹۹۱ ژاپن به دلیل قانون اساسی صلح‌طلب (ماده ۹ قانون اساسی و

ممنوعیت استفاده از جنگ به‌عنوان ابزار حل و فصل اختلافات) و پیمان امنیتی با ایالات متحده آمریکا یک دولت وابسته و منزوی در صحنه سیاست بین‌الملل بود اما این کشور پس از دهه ۱۹۹۱ که گام‌های کوتاه همچون تصویب قانون حضور ژاپن در عملیات حفظ صلح سازمان ملل در سال ۱۹۹۲ و ارتقا کمیّت و سطح کارایی نیروهای محدود دفاعی این کشور را برداشت و پس از سال ۲۰۰۱ که گام‌های بزرگ‌تر و تأثیرگذارتر در راستای تغییرات بنیادین در استراتژی‌های امنیتی خود برداشت کم‌کم به بازیگری با قابلیت اثرگذاری برجسته در رویدادهای بین‌المللی تبدیل شد.

تصویب قانون ضد تروریسم در سال ۲۰۰۲ (متعاقب حوادث ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱)، تصویب قانون اقدامات اضطراری در سال ۲۰۰۳، اعزام نیروهای دفاع از خود به عراق در سال ۲۰۰۴ (نیروهای لجستیکی و پشتیبانی و نه حضور مستقیم در میدان جنگ)، طرح بحث بازنگری در قانون اساسی سال ۲۰۰۵، تنظیم راهبرد جامع دفاع ملی در سال ۲۰۰۶ با تأکید بر مؤلفه‌های جدید تهدید ساز و سیاست‌های نوین بازدارندگی، تصویب مفهوم «نیروی دفاعی پویا» در دسامبر سال ۲۰۱۰ توسط شورای امنیتی ژاپن، طرح جدید دفاعی ده‌ساله ژاپن در سال ۲۰۱۰ و اختصاص بودجه کلان نظامی و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های موشک‌های بالستیک، پایان دادن به چند دهه ممنوعیت صادرات تسلیحات و آغاز فروش تجهیزات نظامی در بازارهای بین‌المللی، تأسیس شورای امنیت ملی و تصویب نخستین راهبرد امنیت ملی ژاپن در سال ۲۰۱۳، طرح تبدیل راهبرد «بازدارندگی مؤثر» به راهبرد «قابلیت پاسخ‌گویی مؤثر در برابر تهدیدات امنیتی»، پیشنهاد ژاپن برای عضویت دائم در شورای امنیت سازمان ملل متحد، ایجاد نخستین پایگاه نظامی ژاپن در جیبوتی (۲۰۰۹) از زمان پایان جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵)، تصویب لایحه امنیتی سال ۲۰۱۴ و تفسیر قانون اساسی در سال ۲۰۱۵ تحت عنوان «دفاع جمعی» از جمله مهم‌ترین رویدادهای کلان در حوزه مسائل امنیتی و نظامی ژاپن بود که باعث بازتعریف راهبردهای نظامی ژاپن و به تبع نقش این کشور در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی شد.

در باب چرایی تحولات در استراتژی‌های امنیتی ژاپن نظریات متعددی ارائه شده است. از منظر نظریات واقع‌گرایانه در دوران جدید و پس از جنگ سرد این محیط بین‌الملل بود که ژاپن را قاطعانه به سمت اتخاذ یک موضع دفاعی قاطعانه ترغیب می‌کرد. در همین راستا نظریه پردازان واقع‌گرا استدلال می‌کنند که اتخاذ سیاست خارجی فعالانه‌تر توسط ژاپن و شروع ژاپن به افزایش توانایی نظامی منتج از تهدیدات امنیتی ناشی از ظهور چین و کره شمالی و شبه افول آمریکا و عدم پشتیبانی کافی این کشور از ژاپن در تهدیدات احتمالی بوده است (You, 2015: 314). در همین راستا ژاپن با دید واقع‌گرایانه و با تأکید بر منابع مادی قدرت و ابزارهای نظامی تلاش کرده است که به تهدیدات پیش رو پاسخ دهد.

از نظر محققان نئولیبرال سیاست دفاعی ژاپن بر اساس منطق مثلث کانتی (دموکراسی، وابستگی اقتصادی، سازمان‌های بین‌دولتی) ساخته شده است. از دیدگاه نئولیبرالی حرکت کنونی به سمت سیاست خارجی فعالانه در امتداد و استمرار این سه محور کانتی بوده است. بر این اساس ژاپن به دنبال استفاده از سیاست خارجی فعالانه جهت برقراری صلح و ثبات در سطوح مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی است. بنابراین هیچ شکی نسبت به اهداف ژاپن وجود ندارد و حرکت کنونی به سمت سیاست خارجی فعالانه فقط استمرار گذشته است و ژاپن همچنان متعهد به صلح و ثبات در آینده خواهد بود (You, 2015: 315). این محققان به اقدامات ژاپن در عملیات‌های حفظ صلح سازمان ملل، مبارزه با دزدی دریایی، مبارزه با تروریسم و حمایت از اقدامات ضد تروریستی اشاره می‌کنند و استدلال می‌کنند که ژاپن باهدف تأثیرگذاری بهتر و فعالانه‌تر در حوزه‌های امنیتی اقدام به تقویت نظامی و تغییر راهبردهای امنیتی خود نموده است. از نظر محققان سازه‌انگار تغییرات امنیتی ژاپن منتج از تغییرات اتفاق افتاده در برداشت رهبران از محیط امنیتی این کشور است. آنچه محرک این تغییر برداشت بوده استنتاج رهبران از تغییر روندهای امنیتی در منطقه است. در این برداشت از تحولات امنیتی ژاپن نقش رهبران داخلی و سیاست‌گذاران و ادراکات ذهنی آن‌ها برجسته می‌شود.

در جمع‌بندی نهایی از نگاه رهیافت‌های بین‌المللی می‌توان گفت که هیچ‌کدام از نظریات به‌تنهایی قادر به تحلیل چرایی تحولات امنیتی ژاپن و ارائه یک چشم‌انداز جامع از تحلیل سیاست امنیتی نیست. با محدود کردن رئالیسم به ویژگی‌های سیستمیک متغیر داخلی نادیده گرفته شده است. لیبرالیسم بر سیاست داخلی تمرکز دارد و تأثیر نفوذ محیط امنیتی را ناچیز پنداشته است و درنهایت سازه‌نگاری قادر به توضیح اینکه چرا و چگونه چارچوب هنجاری سیاست امنیتی ژاپن از اوایل دهه ۱۹۹۰ تغییر کرده است نیست (Saltzman, 2014: 61). در همین راستا به نظر می‌رسد که در تحلیل تحولات امنیتی ژاپن باید نگاهی چند سطحی که هم‌زمان سطوح داخلی و خارجی و عوامل مادی و معنایی را پوشش می‌دهد به کار بست.

۲. پیامدهای ملی

در یک چرخه علت و معلولی همان‌طور که متغیرهای ملی یکی از پیشران‌های تحول در سیاست‌ها و ابزارهای سیاست امنیتی و دفاعی ژاپن هستند؛ تغییر در سیاست امنیتی پیامدهای متعددی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی ژاپن دارد. در ادامه به مهم‌ترین حوزه‌های تأثیرپذیر از تحول در سیاست امنیتی اشاره می‌شود:

۲-۱. حوزه نظامی

یکی از حوزه‌های اصلی متأثر از تحولات امنیتی، بخش نظامی ژاپن است. همگام با تلاش‌ها برای کاهش محدودیت‌های قانون اساسی قانون‌گذاران محدودیت‌های حوزه نظامی را نیز از میان برداشتند. در این مسیر ما شاهد ارتقا آژانس دفاعی ملی^۱ به یک وزارت خانه در سال ۲۰۰۶، پایان دادن به روند نزولی طولانی مدت در تولیدات دفاعی، لغو ممنوعیت صادرات اسلحه و مشارکت در توسعه و تولید سلاح‌های مشترک بین‌المللی (Pryor, 2016: 1)، افزایش بودجه نظامی کشور به‌خصوص در دور دوم نخست‌وزیری شینزوآبه (۲۰۱۲) (Bendini, 2015: 13)، تصویب قانون حفاظت از اطلاعات، تسهیل اشتراک‌گذاری اطلاعات به‌خصوص با ایالات متحده، تهیه منشور جدید

1. Japan Defense Agency (JDA)

همکاری و توسعه در فوریه ۲۰۱۵ و بازنگری در سه اصل صادرات اسلحه هستیم (Liff, 2015: 85).

با اصلاحات صورت گرفته برآوردی که از صنعت دفاع ژاپن می‌شود این است که این کشور می‌تواند فروش سلاح‌های خود را تا سال ۲۰۲۰ تا حدود ۴۰ درصد در مقایسه با سال ۲۰۱۴ افزایش دهد. البته نباید ناگفته بماند که این برآورد زمانی حاصل خواهد شد که دولت ژاپن بتواند رشد اقتصادی مورد انتظار خود را به دست آورد (Sugai, 2016). فراتر از اصلاحات ساختاری، نهادی و قانونی در بخش نظامی که متأثر از تحولات امنیتی ژاپن است، تغییر در راهبردهای امنیتی ژاپن پیامدهای دیگری نیز برای بخش نظامی این کشور دارد که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

نخست: اصلاح قانون صادرات اسلحه اجازه گسترش جغرافیای همکاری نظامی ارتش ژاپن با کشورهای دیگر را فراهم می‌کند و باعث می‌شود که ارتباطات بین کشورها تسهیل شود. از میان برداشتن ممنوعیت صادرات زمینه انتقال تسلیحات به‌ویژه در زمینه فناوری و مواد دفاعی امکان همکاری ژاپن با کشورهای دیگر را آسان‌تر کرده است (Bergenwall, Korkmaz, Rydqvist, 2016: 40). علاوه بر این، این امر راه را برای گسترش توسعه مشترک با کشورهای دیگر به‌ویژه شرکای امنیتی ژاپن به‌غیر از ایالات متحده را باز می‌کند (Hornung & Mochizuki, 2016: 109) و ژاپن را قادر به انتقال دارایی‌های نظامی و فن‌آوری دفاعی به شرکای دفاعی امنیتی می‌کند؛ مسئله‌ای که امکان تبدیل شدن ژاپن به یک قطب اصلی صادرات را امکان‌پذیر می‌کند (Bergenwall, Korkmaz, Rydqvist, 2016: 40). قطب شدن ژاپن در زمینه صادرات اسلحه در مورد روابط ژاپن با کشورهای جنوب شرقی آسیا بسیار محتمل است زیرا کشورهای آسیای جنوب شرقی مانند ویتنام در حال رقابت با چین در دریای جنوبی چین هستند و به همین دلیل به احتمال زیاد نامزد همکاری امنیتی با ژاپن خواهند بود (fatton: 2014).

نکته اساسی گسترش روابط و حرکت ژاپن به سمت تعاملات بین‌المللی بیشتر، ایجاد روابط بلندمدت با کشورهای خارجی و صنایع دفاعی آن‌ها است؛ امری که با ایجاد روابط سیاسی می‌تواند به اهداف ژئوپلیتیک کمک ژاپن کند (Bergenwall, Korkmaz, Rydqvist, 2016: 32). این مسئله به‌خصوص در رابطه با کشورهای

آسیایی بسیار اهمیت دارد چراکه صادرات تسلیحات نظامی و مشارکت در پروژه‌های مشترک با این کشورها می‌تواند به‌عنوان حربه‌ای برای مهار نفوذ در حال رشد چین به کار بسته شود (Bergenwall, Korkmaz, Rydqvist, 2016: 33).

دوم: این تصمیم برای شرکت‌های بزرگی همچون «میتسوبی» این امکان را فراهم می‌سازد که در ابعاد وسیع در توسعه و ساخت تجهیزات جنگی و پروژه‌های دفاع موشکی با مؤسسات و شرکت‌های آمریکایی همکاری کنند. علاوه بر این شرکت‌ها می‌توانند قراردادهای تسلیحاتی کلان با کشورهای ثروتمند نظیر استرالیا، انگلیس و... منعقد کنند. در همین راستا از زمان لغو ممنوعیت صادرات، ژاپن توافقنامه‌های همکاری با انگلستان، استرالیا، فرانسه، هند، ویتنام و اندونزی را امضا کرده (Bergenwall, Korkmaz, Rydqvist, 2016: 33) و در مذاکرات هسته‌ای با ایتالیا، آلمان، نروژ، ترکیه، اسرائیل و بحرین شرکت کرده است (Bergenwall, Korkmaz, Rydqvist, 2016: 34).

سوم: سیاست توسعه و همکاری مشترک باعث کاهش هزینه‌های داخلی و امکان توسعه و تولید بیشتر تجهیزات نظامی می‌شود. تا پیش از این محدودیت‌هایی که بر بخش نظامی این کشور وجود داشت سبب شده بود که تجهیزات نظامی این کشور بسیار قدیمی باشد و از سوی دیگر با هزینه‌های بالایی تولید شود. از میان برداشته شدن محدودیت‌های صادرات و واردات در حوزه نظامی سبب می‌شود که این کشور به راحتی به سایر کشورهای تولیدکننده ادوات نظامی ارتباط برقرار کند و با هزینه‌های کمتری نیازهای نظامی خود را برآورده سازد. چهارم: در کنار تقویت ساختار و تجهیزات نظامی، تحولات اخیر، میزان کارایی نیروهای دفاع از خود را نیز افزایش می‌دهد. دستورالعمل امنیتی جدید محدودیت‌های سابق برای نیروهای دفاع از خود را برداشته است و همین امر به آن‌ها اجازه می‌دهد که مانند نیروهای نظامی سایر کشورها بتوانند عمل کنند و به سربازان نظامی خارجی که در معرض خطر هستند، کمک کنند (Mie, 2016).

پنجم: پایان دادن به ممنوعیت اجازه فروش تسلیحات به ژاپن اجازه تولید جنگنده Stealth F-35 Lockheed را می‌دهد. در همین راستا ژاپن اعلام کرده است که قصد

دارد تا ۲۰ سال آینده حدود ۱,۶ تریلیون (۲۰,۸ میلیارد دلار) در این برنامه صرف کند (Garcia,2014:63).

ششم: در سطح بین‌المللی افزایش نقش ژاپن در بازار تسلیحات به‌نوعی به ضرر قطب‌های اصلی تولید تسلیحات از جمله امریکا است. این نگرانی در میان تولیدکنندگان آمریکایی وجود دارد که اگر سیاست واردات تسلیحات از ژاپن در کنگره تصویب شود کشور با حجم رو به رشدی از واردات تجهیزات دفاعی روبرو می‌شود که می‌تواند به‌عنوان یک چالش جدی برای مشاغل و صنعت نظامی آمریکا تعریف شود (Herman,2016: 42).

هفتم: ارتقا صنایع تولیدکننده تسلیحات باعث شده است که شرکت‌های تولید اسلحه به یکی از بازیگران کلیدی در فرایند سیاست‌گذاری امنیتی تبدیل شوند و قدرت چانه‌زنی آن‌ها در حوزه‌های قدرت افزایش پیدا کند. افزایش قدرت صنایع نظامی به تبع گسترش دامنه اختیارات این فرصت را در اختیار این کنشگران غیردولتی قرار می‌دهد که سیاست‌های آینده امنیتی ژاپن را در مسیر مطلوب خود قرار دهند. مسیری که بی‌شبهت به صنایع نظامی آمریکا و نقش آن‌ها در سیاست خارجی این کشور نیست.

هشتم: به علت سود سرشار فروش تسلیحات، ورود ژاپن به این بازار این امکان را فراهم می‌کند که صدور تسلیحات به یکی از منابع و ابزارهای درآمدزای این کشور تبدیل شود. بازار تسلیحات در حال حاضر یکی از منابع درآمدی برای کشورهای تولیدکننده تسلیحات است. بدیهی است با توجه به پیشرفته بودن ژاپن از نظر فناوری و پیوند این کشور با ایالات متحده آمریکا به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان اسلحه در جهان این کشور قابلیت تبدیل شدن به یکی از بازیگران اصلی در بازار را پیدا کند. در پایان باید گفت در شرایط کنونی با وجود تصمیم توکیو به آغاز تجارت تسلیحاتی، ژاپن مسیر طولانی را تا تبدیل شدن به یک قطب توانمند نظامی- امنیتی در پیش روی خود می‌بیند. این مسئله به چند دلیل است:

رشد توان نظامی چین، این کشور را به یک قطب انکارناپذیر قدرت نظامی در سطح جهان مبدل ساخته است و این مسئله رقیب جدی برای ژاپن است از سوی دیگر پیامد ممنوعیت صدور تسلیحات (فروخته و از دور خارج شدن تجهیزات نظامی ژاپن شده)

همچنان بر کارایی و ساختارهای دفاعی کشور تأثیرات نامطلوبی داشته است. علاوه بر این محدودیت‌های قانون اساسی در رابطه با داشتن یک ارتش قدرتمند و قوای دفاعی مستقل و متکی به منابع داخلی همچنان سد اصلی در برابر تبدیل ژاپن به یک بازیگر اصلی و مهم در عرصه‌های امنیتی و نظامی به‌خصوص در سطح بین‌المللی و فرا سرزمینی است.

۲-۲. حوزه اقتصادی

در بعد اقتصاد داخلی، به علت سود سرشار حوزه فروش تسلیحات، ورود ژاپن به حوزه فروش تسلیحات این امکان را می‌دهد که تسلیحات به یکی از ابزارهای درآمدزا برای ژاپن تبدیل شود (Chelala, 2015) و دولت از این طریق درآمد بیشتری را برای کمک به اقتصاد خود فراهم کند. در این راستا راهبرد جدید دفاع ژاپن باعث تسهیل توسعه یک صنعت رقابتی و ورود پول به صنعت داخلی می‌شود (Bergenwall, Korkmaz, Rydqvist, 2016:4)؛ بنابراین این نگرانی به وجود می‌آید که از یک سو اقتصاد ژاپن به سمت یک اقتصاد نظامی شده با محوریت نظامیان برود و از سوی دیگر افزایش بودجه نظامی و کاهش سایر حوزه‌ها نظیر رفاه و ... شود. بخش دوم این مسئله (اختصاص بودجه کشور به هزینه‌های نظامی) یکی از پیامدهای منفی اقتصادی تحولات اخیر این کشور است که همین مسئله نیز باعث نگرانی‌هایی در جامعه ژاپن شده است.

۲-۳. حوزه فرهنگی و اجتماعی

۲-۳-۱. تنش میان دولت و گروه‌های مخالف نظامی شدن ژاپن

پاسیفیسم هنوز یک ایدئولوژی فرهنگی قوی در ژاپن است (Teslik, 2006). این ایدئولوژی که به مدت ۷۰ سال بر فرهنگ عمومی ژاپن سیطره داشته باعث شده است که هرگونه تغییر در قانون اساسی صلح طلب با مخالفت روبرو شود و همین مسئله در مخالفت نخبگان و افکار عمومی با اصلاحات قانون اساسی به‌خوبی قابل رویت است (Liff, 2017: 167). در طول ۶۰ سال گذشته این مخالفت‌ها مانع از هرگونه اصلاح ماده

۹ قانون اساسی شده و فضای عمومی ژاپن را به دودسته موافق و مخالف تغییرات تقسیم کرده است. در مجموع مخالفان تغییرات در قانون اساسی به سه دسته احزاب و گروه‌های سیاسی، افکار عمومی و در نهایت نخبگان علمی و فرهنگی تقسیم می‌شود:

الف- احزاب سیاسی و گروه‌های سیاسی: در میان احزاب و گروه‌های سیاسی حزب سوسیالیست، حزب کمونیست و حزب دموکرات مهم‌ترین مخالفان تغییرات در قانون اساسی هستند و این جهت‌گیری به وضوح در مبارزات انتخاباتی این احزاب دیده می‌شود (Hornung, 2018). در میان احزاب سیاسی مخالف، حزب دموکراتیک ژاپن بزرگ‌ترین گروه مخالف با تغییرات است (Fritz, 2017) و این مخالفت تا آنجا است که این حزب لوایح جدید امنیتی را «غیرقانونی» می‌داند (Mie, 2016).

ب- افکار عمومی: نخستین مانع اصلاح قانون اساسی افکار عمومی است (Matton, 2009:10). هویت پاسیفیسم باعث مقاومت طولانی مدت مردم در برابر تغییرات و بسته شدن راه هرگونه اصلاح شده است (Pyle, 2018: 70). بر اساس نظرسنجی‌های مختلفی که در سال‌های اخیر از مردم ژاپن صورت گرفته است اکثریت قریب به اتفاق مردم با اصلاحات قانون اساسی مخالف هستند (Moritsugu, 2017).

نظرسنجی منتشر شده توسط روزنامه ژاپنی مینیچی در ۷ ژوئیه ۲۰۱۵ (یک هفته قبل از رأی‌گیری در مورد لایحه امنیتی) نشان می‌دهد که ۵۲ درصد از مردم لایحه جدید را غیرقانونی می‌دانند و همین مسئله باعث کاهش محبوبیت و حمایت از دولت شد (Bendini, 2015:16).

بر اساس نتایج نظرسنجی خبرگزاری آساهی شیمبون در ماه جولای ۲۰۱۶، ۴۳ درصد از مردم مخالف لوایح جدید امنیتی بودند (Coram, 2016:33). آنچه از نظرسنجی‌ها برمی‌آید این است که اکثر مردم ژاپن هنوز تمایلی به گسترش فعالیت‌های نیروهای دفاع از خود به فراتر از مرزهای ملی، به جز عملیات حفظ صلح، ندارند.

1. Mnichi
2. Aahi Shimbun

ج- نخبگان و حوزه‌های علمی، روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها: همگام با عوام مردم بسیاری از دانشگاهیان و نخبگان علمی و فرهنگی این کشور به مخالفت با تحولات امنیتی ژاپن پرداخته‌اند (Satake, 2016: 36). این گروه از مخالفان به دستاوردهای قانون اساسی در سال‌های اخیر اشاره می‌کنند. یکی از این دستاوردها اهمیت و علاقه‌ای است که قانون اساسی صلح طلب ژاپن در میان سازمان‌های غیردولتی فعال در حوزه صلح جهانی ایجاد کرده است. همایش‌ها و سازمان‌های غیردولتی صلح جهانی اغلب در هنگام تصویب و برگزاری به ماده ۹ قانون اساسی ژاپن اشاره می‌کنند که از آن جمله می‌توان به اجلاس جامعه مدنی صلح در لاهه (۱۹۹۹) اشاره کرد که در اصل اول از «ده اصل اساسی یک نظم جهانی درست» به وضوح اشاره می‌کنند که هر مجلس باید قانونی را که در آن دولت از رفتن به جنگ ممنوع می‌کند را تصویب کند، مانند ماده نه قانون اساسی ژاپن. در مورد مشابه دیگر؛ گزارش نهایی «گروه موضوعی صلح، امنیت و خلع سلاح انجمن هزاره» (۲۰۰۰) در سازمان ملل متحد به وضوح کشورها را به اتخاذ قانون اساسی صلح طلب مانند آنچه ژاپن دارد تشویق می‌کند (Kimijima, 2006: 628). بر این مبنا قانون اساسی ژاپنی فرصتی برای صلح جهانی است و هرگونه تغییر در این راهبرد نه تنها ژاپن بلکه صلح جهانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Kimijima, 2006: 629).

مخالفت‌ها با اصلاحات حتی در بین روزنامه‌های اصلی ژاپنی هم دیده می‌شود. در این رابطه روزنامه‌های اصلی ژاپن به دودسته تقسیم شده‌اند: روزنامه‌هایی نظیر یومیوری، نیککی، سنکی^۳ از قوانین جدید امنیتی حمایت می‌کنند در حالی که روزنامه‌های لیبرال نظیر مینیچی، آساهی^۴ به انتقاد از قوانین جدید پرداخته‌اند (Hosoya, 2015: 296).

در مجموع مخالفان اصلاح راهبرد دفاعی ژاپن دلایل متعددی برای مخالفت خود اعلام می‌کنند که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

1. Ymiuri
2. Nkkei
3. Sinkei
4. Mnichi
5. Aahi

۱- بازنگری قانون اساسی باعث خواهد شد که اهمیت نیروهای دفاع از خود به‌عنوان یک سازمان با مشروعیت قانونی تأمین شود؛ بنابراین تغییرات قانون اساسی نه تنها بر اندازه، ترکیب و مأموریت نیروهای دفاع شخصی ژاپن تأثیر خواهد گذاشت بلکه باعث تغییر روابط قدرت در جامعه می‌شود و باعث می‌شود که نظامیان نفوذ بیشتری نسبت به گذشته کسب کنند و پایشان به سیاست باز شود. همین مسئله باعث می‌شود که یکی از مهم‌ترین مدل‌های یک حکومت دموکراتیک که جهان تا به حال به خود دیده است از بین برود.

۲- گسترش قانونی دامنه فعالیت‌های اهمیت نیروهای دفاع از خود باعث درگیر شدن ژاپن در جنگ‌های خارجی می‌شود که ارتباط مستقیمی با ژاپن ندارد (Hornung, 2018). از نظر منتقدان قوانین جدید «قانون جنگ» است (Mie, 2016). بدیهی است با تقویت قوای نظامی و از میان برداشته شدن موانع قانونی ژاپن مجبور خواهد شد تا در درگیری‌های که حتی ارتباطی با منافع ژاپن ندارد درگیر شود و این امر حتی در مورد مداخله نظامی مستقیم صادق است؛ بنابراین چرا ژاپن باید نقش بی‌خطر خود را برای پذیرش یک نقش بالقوه خطرناک تسلیم کند (Klingner, 2016).

۳- از نظر افکار عمومی ماده ۹ قانون اساسی مبنای مقاومت ژاپن در برابر درخواست‌های امریکا بود؛ بنابراین با از میان برداشته شدن این بند ژاپن هیچ راهی برای مقاومت در برابر خواسته‌های ایالات متحده برای دخالت در سراسر جهان نخواهد داشت (Mori, 2015). در این تصور ژاپن جدید به‌عنوان بخش مهمی از راهبرد جهانی و سازوکار دفاعی امریکا عمل خواهد کرد (Klingner, 2016).

۴- ترس چهارم به این مسئله برمی‌گردد که تفسیر مجدد از قانون اساسی و اجازه دفاع جمعی روابط صلح‌آمیز ژاپن در منطقه آسیای شرقی را تضعیف خواهد کرد و به تنش با همسایگان منجر خواهد شد (Corvese, 2014). از این منظر قوانین جدید باعث به راه افتادن ماشین جنگی ژاپن شده و یک حکومت نظامی روی کار خواهد آمد که درب را برای مداخله نظامی ژاپن در خارج از کشور را باز می‌کند و می‌تواند ژاپن را به سمت قدرت‌طلبی در آسیا هدایت کند (Klingner, 2016). نتیجه منطقی این امر از میان رفتن حس دوستی بین ژاپن و همسایگان خواهد بود.

۵- اختصاص بودجه بیشتر به توسعه توانمندی و قدرت نظامی به‌جای بخش‌های مولد اقتصادی از دیگر دلایل مخالفت احزاب و مردم است.

واضح است که اکثریت قریب به اتفاق ژاپن مایل به اصلاح ماده ۹ نیستند. انگیزه‌های مخالفان منعکس‌کننده ترس‌های عمومی و سوءظن نسبت به قوانین جدید به دلایل تاریخی (Liff, 2017: 168) نظیر خاطرات تلخ جنگ، اضطراب ناشی از بازگشت نظامی‌گری به شاکله امنیتی ژاپن، بحث‌های حل‌نشده در مورد هویت سیاسی پس از جنگ ژاپن، عدم اطمینان در مورد اهداف امنیتی درازمدت دولت آبه و در نهایت پیچیدگی لایحه امنیتی و عدم آگاهی نسبت به نتایج ناشی از این قانون است (Hosoya, 2015: 296).

در مجموع حافظه تلخ تاریخی باعث شده است که مردم از لحاظ روان‌شناختی در برابر امور نظامی انعطاف‌پذیری لازم را نداشته باشند و به این مسئله واکنش شدید نشان دهند. اهمیت این مسئله زمانی دوچندان می‌شود که دریابیم افکار عمومی به‌مثابه سرمایه سیاسی در ژاپن است و از دست رفتن آن دولت را با بحران مشروعیت روبرو می‌کند؛ بنابراین پیگیری اصلاحات تندروتر بدون جلب اعتماد عمومی منجر به شکل‌گیری شکاف بین بخش‌های مختلف جامعه (موافق و مخالف) و بحران مشروعیت در فضای عمومی ژاپن خواهد شد؛ بنابراین یکی از پیامدهای اصلی مخالفت عمومی با اصلاحات، تضعیف سیاسی دولت آبه است که همین امر می‌تواند توانایی دولت را برای اجرای قوانین محدود کند. در همین راستا پیش‌بینی می‌شود که کسب رضایت عمومی مهم‌ترین چالش داخلی دولت آبه در سال‌های آتی باشد (Satake, 2016: 36).

۲-۳-۲. افزایش ملی‌گرایی تهاجمی

ارتقا سطوح درک از تهدید بین مردم ژاپن و تلاش رهبران تجدیدنظرطلب برای تغییر گفتمان طولانی‌مدت صلح‌طلبی و یا ضد جنگ در میان مردم و تشویق احساس قوی‌تر وطن‌پرستی در جوانان کشور از طریق اصلاحات در نظام آموزشی (Bendini, 2015: 11) باعث افزایش ملی‌گرایی در ژاپن شده است. این مسئله در کنار اصلاحات قانون اساسی و تلاش برای بازیابی غرور ملی، استقلال و اعتبار بین‌المللی

(Mito,2008:66) باعث شده است که ملی‌گرایی و وطن‌پرستی افزایش پیدا کند. افزایش ملی‌گرایی منتج از اصلاحات قانون اساسی سه پیامد عمده در سطح داخلی و خارجی دارد.

در سطح ملی افزایش ملی‌گرایی و انحراف افکار عمومی به سمت ملی‌گرایی تندرو باعث هموار شدن مسیر ظهور رهبران تجدیدنظرطلب در سال‌های آتی می‌شود و نتیجه بدیهی این امر تلاش برای برداشتن محدودیت‌ها و ایفای نقش سازنده‌تر در صحنه بین‌المللی خواهد بود (You,2015,319). تأثیر مستقیم این پدیده، در بهترین حالت می‌تواند منجر به این شود که مسائلی که قبلاً تابو بوده از بین رفته و به محل بحث و جدل تبدیل شود.

در سطح خارجی، تغییر داخلی در پارامترهای سیاست خارجی ژاپن مرتبط با افزایش نوعی ناسیونالیسم، از یک سو منجر به درگیری و مشارکت بیشتر و عمیق‌تر ژاپن در مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای (Yoshihide,2004:13)، تنش در روابط با کشورهای منطقه به‌خصوص چین و تضعیف چشم‌انداز نظم منطقه‌ای پایداری می‌شود (Pollack,2016) و از سوی دیگر ملی‌گرایی با محوریت بازیابی غرور ملی باعث افزایش فشارها بر کم شدن وابستگی به آمریکا می‌شود. به نظر می‌رسد که افزایش احساسات ملی‌گرایانه در بلندمدت منجر به تضعیف اتحاد خواهد شد. چنانچه که در سال‌های اخیر افکار عمومی در مورد رابطه آمریکا و ژاپن در هر دو کشور بدتر شده است (Ben-Ari,2015:16). بر این مبنای به نظر می‌رسد افکار عمومی ژاپن و نیز نخبگان آن به‌رغم اهمیت بسیاری که برای روابط خود با ایالات متحده قائل‌اند، به تدریج به این جمع‌بندی می‌رسند که وضعیت وابستگی به ایالات متحده در زمینه تأمین امنیت، مطلوبیت ندارد و ژاپن باید متناسب با قدرت اقتصادی خود، توانایی نظامی نیز داشته باشد.

۴-۲. حوزه سیاسی و امنیتی

۴-۱-۲. گسترش نقش نخست‌وزیر

در ژاپن به دلیلی قوی بودن مجلس و سیستم حزبی نفوذ نخست‌وزیر کمتر از سایر دستگاه‌ها است (Gannon & Sahshi,2015: 183). تحولاتی که در سال‌های اخیر در

سیستم سیاسی و نهادی ژاپن صورت گرفته باعث شده است که نقش نخست‌وزیر در نظام سیاسی ارتقا پیدا کند؛ بنابراین ما با نسل جدیدی از نخست‌وزیران روبرو خواهیم بود که قدرت عمل گسترده‌تری نسبت به پیشینیان خود برای تعقیب و اجرای طرح‌های سیاسی دارند. این مسئله دو پیامد عمده دارد: از یک سو عرصه سیاسی کشور را میدان تاخت‌وتاز رهبران تحول‌خواه می‌کند و از سوی دیگر نظام سیاسی کشور به سمت اقتدارگرایی با محوریت شخص نخست‌وزیر پیش می‌برد. بدیهی است این مسئله در بلندمدت می‌تواند میزان مشروعیت سیاسی و اعتماد مردم به سیستم را به دلیل نارضایتی از تغییرات را به شدت کاهش دهد. فرهنگ محافظه‌کاری مردم ژاپن که متأثر از پیشینه تاریخی و فرهنگ عمومی جامعه است به این مسئله دامن می‌زند.

۲-۴-۲. افزایش بازدارندگی هسته‌ای

یکی از پیامدهای قابل‌انتظار تحولات نظامی-امنیتی ژاپن افزایش بازدارندگی هسته‌ای این کشور در سال‌های آینده است. بر اساس اصلاحات صورت گرفته تا چند سال آینده ژاپن توانایی حمله به پایگاه‌های دشمن را دارا خواهد شد. این مسئله (ارتقا امنیت ملی از طریق بازدارندگی و تقویت قوای نظامی) که دیدگاه مرکزی محافظه‌کاران ژاپنی است (Kim, 2017: 161) به دلیل همسایگی این کشور با دو قدرت هسته‌ای یعنی چین و کره شمالی چینش معادلات امنیتی در شرق آسیا را مورد تغییر قرار خواهد داد (Glosserman, 2016: 23). مدرن سازی توانایی‌های نظامی ژاپن و تعریف نقش تازه بین‌المللی برای خود از طریق تفسیر مجدد قانون اساسی منطبق با انتظارات نو واقع‌گرایان است که ژاپن به‌زودی به‌سوی تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ حرکت خواهد کرد.

۲-۴-۳. فراهم شدن زمینه برای احراز کرسی دائم در شورای امنیت

ژاپن در سال‌های اخیر در کنار دیگر کشورهای مدعی چون آلمان با توجه به رشد مؤلفه‌های سازنده قدرت ملی در نظام بین‌المللی خواهان نقش‌آفرینی مؤثرتر در سطح جهانی بوده و درخواست احراز کرسی دائم شورای امنیت را کرده است. پیش‌بینی

می‌شود با تحولات صورت گرفته در ساختار امنیتی و افزایش قدرت نظامی در سال‌های آینده ژاپن قابلیت طرح مجدد درخواست خود به‌عنوان عضو شورای امنیت را کسب نماید.

۵-۲. حوزه فناوری

تحولات امنیتی ژاپن دو خطر عمده در حوزه مسائل فناوری به وجود می‌آورد. نخست، خطر انتقال فن‌آوری است. نگرانی اصلی در این مورد مربوط به انتقال فناوری به کشورهای تروریسم و گروه‌های خطرناک است. اگرچه استدلال می‌شود که باید سه اصل مربوط به صادرات اسلحه رعایت شود اما همچنان در این زمینه نگرانی‌هایی وجود دارد. دومین مسئله مربوط به خطر انتقال فناوری و مسائل مربوط به تحقیق و توسعه مشترک با دولت‌های خارجی به‌ویژه ایالات متحده است. بسیاری از شرکت‌های ژاپنی نگران این هستند که اگر آن‌ها در توسعه مشترک یا پروژه‌های سرمایه‌گذاری مشترک با ایالات متحده مشارکت داشته باشند حقوق آی پی خود را از دست بدهند، به‌ویژه که وزارت دفاع امریکا دارایی سیاست‌هایی است که به‌موجب آن با تأمین مالی پروژه‌ای ثبت حق اختراع متعلق به آن می‌شود (Herman, 2016: 41).

در جمع‌بندی نهایی در بعد داخلی به نظر می‌رسد که پیامدهای امنیتی ژاپن در وجه مثبت آن سود اقتصادی بسیار برای این کشور به‌خصوص در رابطه با فروش تسلیحات، افزایش بازدارندگی و تأمین امنیت در برابر تهدیدات چین و کره شمالی، امکان احراز کرسی دائم شورای امنیت، باشد اما در بعد منفی افزایش ملی‌گرایی تهاجمی، افزایش شکاف‌ها میان رهبران و مردم و کاهش مشروعیت نظام سیاسی حاکم و از بین رفتن وفاق و یکدستی ملی را می‌توان بیان کرد.

۳. پیامدهای بین‌المللی

بازنگری قانون اساسی و تقویت نظامی ژاپن دو تغییر اساسی در سیاست امنیتی ژاپن است که این کشور را در ایفای نقش پررنگ‌تر در سطوح مختلف کمک می‌کند. در همین راستا در این بخش به‌طور عمده تأکید بر روابط ژاپن با امریکا و تأثیرگذاری ژاپن

بر نظم منطقه‌ای در شرق آسیا خواهد بود. پیوند ژاپن با سایر مناطق نظیر خاورمیانه، اروپا و افریقا و نقش ژاپن در ابعاد غیر سستی امنیت نظیر دزدی دریایی، تهدیدات سایبر، محیط‌زیست و... از سایر موضوعات این بخش خواهد بود.

۱-۳. تأثیر بر روابط دوجانبه با ایالات متحده آمریکا

نقطه اصلی مرجع ژاپن در سیاست امنیتی اتحاد با آمریکا بوده است و این فرض اساسی تغییر نکرده و یا حتی تقویت شده است. مهم‌ترین مسئله در رابطه با استمرار روابط امنیتی ایالات متحده و ژاپن اهداف راهبردی است که این کشور در منطقه شرق آسیا دارد. تقویت ژاپن و به تبع اتحاد امنیتی دو کشور کمک شایان توجهی را به پیشبرد اهداف آمریکا در منطقه شمال شرق آسیا و تقویت موضع آن در منطقه آسیا و اقیانوس آرام می‌کند (Torio, 2017). این اهداف شامل:

باز توزیع هزینه‌های نظامی و کاستن از هزینه‌های نظامی در منطقه (Withitwinyuchon, 2016:243)، به حداقل رساندن حضور بلندمدت نیروهای آمریکایی در منطقه‌ای غیربومی، فعال کردن پایگاه‌های منطقه‌ای و ائتلاف‌های منطقه‌ای برای فعالیت‌های امنیتی جهان (Hughes, 2006:10)، اعزام قوای نظامی متحدان آسیایی برای پرداختن سهم خود در تأمین امنیت منطقه، مقابله با چالش‌های منطقه‌ای نظیر تهدیدهای ناشی از کره شمالی و چین، دزدی دریایی، تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی، تروریسم و بلایای طبیعی (Hornung, 2017) تقویت نسبی ژاپن و برقراری موازنه نسبی در برابر چین، مهار چین در مرزهای خود و وادار کردن آن به تخصیص بودجه کلان به بخش نظامی، اعمال تجربه خود با اتحاد شوروی سوق دادن آن به مسابقه تسلیحاتی و فروپاشی نهایی، تشکیل اتحاد دفاعی منطقه‌ای با کشورهای که با چین اختلافات ارضی و مرزی دارند مانند فیلیپین، ویتنام، تایلند و کشورهای متحد خود مانند سنگاپور، ژاپن، کره جنوبی و استرالیا.

تغییر سیاست امنیتی ژاپن دارای تأثیر مستقیم بر سیاست‌های آمریکا و علائق و منافع آن در منطقه است (Smith, 2018) و به خوبی تأمین‌کننده منافع آمریکا در منطقه است و همین امر باعث استقبال آمریکایی‌ها از تحولات امنیتی ژاپن شده است

(Corvese,2014). در ادامه به بررسی تأثیر تحولات امنیتی ژاپن بر پاره‌ای از اهداف آمریکا در منطقه اشاره می‌شود:

۱-۳-۱. تقویت اتحاد امنیتی دوجانبه ایالات متحده - ژاپن

به مدت زمان طولانی واشنگتن خواستار پرداخت سهم بیشتر ژاپن در مسائل امنیتی را می‌کرد اما به دلیل محدودیت‌هایی که توسط قانون اساسی ایجاد شده بود ژاپن از این مسئله سرباز می‌زد. بدیهی است با اصلاحات در ماده ۹ قانون اساسی مسئولیت متقابل ژاپن در معاهده امنیتی بازبینی شده و سهم این کشور در اتحاد دوجانبه افزایش پیدا خواهد کرد (Saltzman,2014:4).

تصویب قوانین جدید نظیر بازنگری در صادرات اسلحه، تصویب چارچوب جدید همکاری ژاپن و آمریکا در سال ۲۰۱۵، افزایش هزینه‌های نظامی همگی باعث افزایش ظرفیت همکاری ژاپن با آمریکا (Liff, 2015: 85) و تسریع «مکانیسم هماهنگی همکاری» بین دو کشور (Mehta & Kallender-Umezu,2015) شده و زمینه «مشارکت کامل» دو کشور در زمینه حفظ و ایجاد صلح و پاسخ به شرایط اضطراری امنیتی را فراهم می‌کند (Glosserman,2016:11).

۳-۱-۲. کاهش حضور آمریکا در شرق آسیا

تا پیش از این، نیروهای آمریکایی بار اصلی تأمین امنیت منطقه شرق آسیا را بر عهده داشتند اما با تحولات جدید که اجازه استقرار نیروهای نظامی ژاپن را در فرای مرزهای ملی را می‌دهد ایالات متحده با این تصمیم مواجه خواهد شد که چه نیروهای نظامی را باید در ژاپن و منطقه آسیای شرقی نگه دارد و چه نیروهای را به خارج از آسیا ارسال کند (Matton,2009:9).

۳-۱-۳. مدیریت بحران‌های منطقه‌ای و تقویت موقعیت آمریکا در آسیا

ایالات متحده دارای منافع ملی مهم در آسیا است این مسئله در حالی است که در سال‌های اخیر تهدیدات امنیتی (بحران هسته‌ای کره شمالی، افزایش قدرت اقتصادی و

نظامی چین، تهدیدات غیر سنتی نظیر دزدی دریایی، تهدیدات سایبری) افزایش پیدا کرده و واشنگتن نیاز به تقسیم بار مقابله با تهدیدات جدید را دارد. گستردگی و هزینه بالای مدیریت بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایالات متحده را نیازمند حمایت متحدان منطقه‌ای و جهانی خود کرده است (Hornung, 2017). تحولات جدید در ژاپن امکان مقابله با چالش‌های امنیتی در منطقه و مشارکت بیشتر ژاپن در امور امنیت منطقه‌ای را فراهم کرده است (Garcia, 2014: 57). در ادامه به نحوه تأثیر ژاپن بر مدیریت بحران‌های منطقه‌ای اشاره می‌شود:

الف) مهار کره شمالی

ایالات متحده از یک ژاپن قوی برای یک افزایش فشار بر کره شمالی استقبال می‌کند. تقویت نظامی ژاپن باعث افزایش بازدارندگی در مقابل کره شمالی می‌شود و به ژاپن توانایی خنثی کردن موشک‌های بالستیک کره شمالی را می‌دهد (Green and Cooper: 2017) علاوه بر این نیروهای ایالات متحده می‌توانند از پایگاه‌های هوایی ژاپن برای راه‌اندازی حملات علیه کره شمالی استفاده کنند؛ زیرا ظرفیت‌های هوایی در کره جنوبی برای انجام تمام حملات هوایی موردنیاز و سایر عملیات هوایی ناکافی است. ژاپن تعداد قابل توجهی کشتی در نیروهای دفاع از خود دریایی دارد که عمدتاً در نزدیکی کره شمالی قرار دارند. آن‌ها می‌توانند سریعاً پس از تجاوز کره شمالی شروع به کار کنند. به‌طور خلاصه، باسیاست دفاع جمعی، ژاپن قابلیت کافی برای دفاع از کره جنوبی و امنیت منطقه‌ای و به‌طور کلی، اقدام مناسب را به دست می‌آورد (Bennett, 2014).

ب) مهار چین

از دیدگاه ایالات متحده، ظهور یک نیروی قوی و قدرتمند ژاپنی در اقدام به‌عنوان یک اقدام مقابله با اقدامات چینی در نظر گرفته شود (Karam, 2015). آمریکا، ژاپن قدرت طلب و فعال را مؤلفه‌ای برای گرفتارسازی چین و روسیه در چالش‌های منطقه‌ای و نزاع‌های محیطی می‌بیند و از سوی دیگر با شبه کم شدن حمایت اروپا از همراهی با آمریکا در حوزه مسائل نظامی، ژاپن جایگزین مناسبی به نظر می‌رسد. از دید رهبران آمریکا با توجه به افزایش سریع بودجه نظامی چین و تهدیدات احتمالی آن برای

ایالات متحده در منطقه شرق آسیا، دکترین جدید ژاپن گزینه خوبی برای مهار چین است. در این راستا تقویت ژاپن و برقراری موازنه نسبی در برابر چین می‌تواند به نفع آمریکا هم باشد (Fink, 2008:79).

ج) مهار تهدیدات غیر سنتی

کمک ژاپن نه تنها به حوزه‌های سنتی امنیت بلکه شامل مسائل جدیدتر نظیر محیط‌زیست، دزدی دریایی، حملات سایبری، ماهیگیری نیز می‌شود (Sakata, 2012). این مسئله به‌خصوص در رابطه با دزدی دریایی می‌تواند بسیار برجسته شود. نیروی دریایی ژاپن یکی از برترین نیروهای دریایی جهان است و همواره جزو نیروهای مبارزه با دزدی دریایی در مناطق بوده است. بدیهی است تقویت نظامی ژاپن و راهبردهای امنیتی که اجازه درگیری مستقیم را به نیروهای ژاپنی را می‌دهد گزینه مناسبی برای تأمین امنیت آب‌های شرق آسیا است که همین مسئله به‌طور مستقیم تأمین‌کننده منافع آمریکا به‌خصوص در حوزه اقتصادی و جریان امن تجارت از منطقه خواهد بود.

افزایش قدرت نظامی ژاپن ← کمک به تقویت اتحاد ← مهار تهدیدات و مدیریت چالش‌های امنیتی منطقه‌ای و بین‌المللی ← امنیت و ثبات

۲-۳. تأثیر بر نظم منطقه‌ای و جهانی

یکی از مهم‌ترین تغییرات در عرصه بین‌المللی تغییر روابط میان قدرت‌های بزرگ و موازنه قدرت جهانی است. پیش‌رانندگان تغییر در موازنه قدرت جهانی کشورهایی هستند که پس از جنگ سرد قدرت بالایی در حوزه‌های مختلف کسب کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به چین، هند و روسیه و اتحادیه اروپا اشاره کرد. از میان این قدرت‌ها چین به دو دلیل نسبت به سایرین تهدید جدی‌تری نسبت به نظم جهانی در نظر گرفته می‌شود: نخست اینکه از نظر مؤلفه‌های قدرت ملی (نظیر میزان جمعیت، وسعت جغرافیایی، توانمندی نظامی و رشد اقتصادی) نسبت به سایر کشورها در جایگاه بهتری قرار دارد. دوم اینکه کشورهای هند، اتحادیه اروپا و... در جرگه متحدین آمریکا و در بلوک غرب قرار دارند لذا تهدید جدی نسبت به نظم لیبرال دموکراسی کنونی مبتنی بر هژمونی آمریکا در نظر گرفته نمی‌شوند.

همان‌طور که پیش‌ازاین رفت ژئوپلیتیک معاصر آسیا از دهه ۱۹۸۰ با افزایش قدرت چین دچار تغییراتی شد و این افزایش قدرت نظم یکپارچه مبتنی بر هژمونی آمریکا را به چالش کشید (Dutta, 2017) و ژاپن را به پاسخ در برابر این منابع تهدید واداشت. در منطقه شرق آسیا ژاپن تمایل قوی به حفظ برتری آمریکا در منطقه دارد و بر همین مبنا با کاربست رویکرد طیف گسترده (اقتصادی و نظامی) (Tokuchi, 2016:6) به دنبال حفظ نظم منطقه‌ای مبتنی بر حفظ هژمونی آمریکا و حفظ موازنه قدرت جهانی به نفع آمریکا است (Buckley, 2017). تحولات امنیتی ژاپن به چند صورت باعث تقویت هژمونی آمریکا در سطح منطقه و نظام بین‌الملل می‌شود:

✓ کاهش محدودیت‌ها بر نیروهای دفاع از خود زمینه مشارکت امنیتی کارآمد ژاپن با کشورهای متحد نظیر استرالیا، هندو کره جنوبی، استرالیا، فیلیپین، ویتنام (Mazumdaru, 2015) می‌شود. مشارکت در رزمایش مشترک آمریکا - استرالیا یا هند و آمریکا و طرح روابط چهارگانه و تبدیل ژاپن به ژاندارم منطقه در بطن خود سازوکاری در جهت تعمیق هژمونی آمریکا از طریق تقویت متحدان منطقه‌ای است (Nagy, 2017: 227).

✓ تفسیر قانون اساسی، توکیو را قادر می‌سازد تا دامنه پشتیبانی ژاپن از ایالات متحده گسترش پیدا دهد. پیش‌ازاین، نیروهای دفاع از خود تنها می‌توانستند چنین پشتیبانی را در قلمرو ژاپن یا نزدیک آن ارائه دهد؛ اما قوانین جدید نوع عملیات و حمایت را گسترش می‌دهد و باعث امکان اعزام نیروهای ژاپنی به ائتلاف‌های چندملیتی در خارج از قلمرو خود و در شرایط جنگی می‌شود (Hughes, 2006:10) و امکان عمل بیشتری را برای آمریکا ایجاد می‌کند (Gray, 2013:3) در مجموع یک شریک قوی‌تر و مطمئن‌تر توانایی آمریکا برای پاسخ به بحران‌های منطقه‌ای و تهدیدات نوظهور را افزایش می‌دهد (Ross, 2017: 2).

✓ تقویت قوای نظامی ژاپن امکان پیوستن این کشور به سازمان‌های امنیتی نظیر ناتو را فراهم می‌کند اعلام علاقه‌مندی به عضویت در کنسرسیوم ساخت تسلیحات ناتو از یک سو باعث باز شدن پای ناتو به شرق آسیا و از سوی دیگر باعث تقویت

ناتو می‌شود. ناگفته پیداست که پیوستن سومین اقتصاد بزرگ دنیا با بودجه عظیمی نظامی فرصت‌های فراوانی را برای کارآمدی ناتو فراهم می‌کند.

✓ ترویج ارزش‌های لیبرال دموکراسی در منطقه و سطح جهان: توکیو متحد مورد اعتمادی است که ارزش‌های دموکراتیک آمریکا را به اشتراک می‌گذارد (Klingner, 2016).

✓ ژاپن از پذیرش قابل قبولی در میان کشورهای جنوب شرق آسیا برخوردار است و لذا قادر به ایفای نقش رهبری در منطقه است. هدایت و رهبری ژاپن به‌عنوان متحد اصلی و استراتژیک آمریکا در منطقه بر کشورهای منطقه شرق آسیا به‌نوعی تضمین استمرار ارزش‌ها و منافع آمریکا در منطقه است.

۲۹

پژوهش‌های بین‌المللی
روابط بین‌الملل

بازتعریف
سیاست‌های
امنیتی ژاپن و
پیامدهای ملی و
بین‌المللی آن

۳-۳. افزایش درگیری و همکاری امنیتی با سایر مناطق

افزایش قدرت نظامی ژاپن و به‌تبع تغییرات مجدد در جغرافیای سیاسی و همکاری‌های اقتصادی در سریع‌ترین منطقه در حال رشد جهان یعنی شرق آسیا دارای پیامدهای اساسی در سایر مناطق جهان نیز خواهد بود. گسترش نقش این کشور در مناطق حساس نظیر خاورمیانه و... می‌تواند تأثیرات به‌سزایی در این مناطق بگذارد و اشکال جدیدی از معماری امنیتی در این مناطق مبتنی بر بازی قدرت‌های بزرگ را به وجود آورد. در این بخش به مهم‌ترین مناطقی که متأثر از تحولات جدید ژاپن هستند پرداخته می‌شود.

۳-۳-۱. آفریقا

اگرچه در مقایسه با روابط آفریقا و کشورهای استعمارگر غربی، روابط ژاپن و آفریقا جدید است اما این رابطه در نوع خود پیچیدگی‌هایی را دارد. روابط ژاپن و آفریقا اگرچه به قرن ۱۶ میلادی برمی‌گردد اما دوره پس از پایان جنگ سرد و تحولات اقتصادی رخ داده در ژاپن باعث افزایش پیوند ژاپن با آفریقا شد. در همین زمینه دوران بعد از دهه ۱۹۶۰ دوره تبدیل ژاپن به شریک تجاری مهم آفریقا و بازیگر سیاسی در امور سیاسی از دهه ۱۹۸۰ به بعد است (Mlombo, 2012: 27). تا پیش از تحولات امنیتی یکی از چالش‌های اساسی روابط ژاپن و آفریقا نداشتن نیروی نظامی این کشور و

محدود بودن روابط دو طرف به مسائل اقتصادی (Lumumba-Kasongo, 2010: 233-234) و عملیات حفظ صلح سازمان ملل بود. در این سال‌ها علی‌رغم مشارکت ژاپن در عملیات حفظ صلح سازمان ملل در آفریقا نظیر کامبوج، موزامبیک و... تمامی اقدامات محدود به پشتیبانی لجستیکی و کمک‌های مالی و صلح‌سازی بعد از جنگ بود. بازبینی‌های رخ داده در سال ۲۰۱۵ اجازه ارسال نیروهای نظامی ژاپن به عملیات حفظ صلح سازمان ملل در آفریقا را داده است (Pajon, 2017: 13-12). این امر به این معنا است که ژاپن می‌تواند نقش پررنگ‌تری را در این منطقه ایفا کند.

۲-۳-۳. اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا و ژاپن به دلیل اشتراکات فراوان نظیر توسعه صنعتی و حکومت‌های لیبرال دموکرات زمینه‌های همکاری بسیاری را دارند (Suzuki, 2018: 1). اتحادیه اروپا به دنبال تعمیق روابط با کشورهای هم‌فکر است کشورهایی که از قوانین موجود بین‌المللی با مرکزیت سازمان ملل متحد و سازمان تجارت جهانی حمایت می‌کنند (Okano-Heijmans, 2018: 3). این مسئله به‌خصوص در سال‌های اخیر و با ظهور چین بسیار اهمیت پیدا کرده است؛ بنابراین برای اروپایی که به دنبال گسترش شراکت امنیتی است ژاپن به دلیل ارزش‌های مشترک لیبرال دموکراسی گزینه بسیار مناسبی است (Okano-Heijmans, 2018: 2). علاوه بر سطح جهانی و ارزش‌های لیبرال دموکراسی، اتحادیه اروپا برای گسترش نفوذ خود در شرق آسیا نیز به شرکای هنجاری در این منطقه نیاز دارد. این مسئله مجدداً به دلیل تقابل هنجاری اتحادیه اروپا و چین ژاپن را به یک گزینه مهم و حیاتی برای سیاست‌های اتحادیه اروپا تبدیل کرده است. در همین راستا ژاپن برای محیط امنیتی شرق آسیا یک مؤلفه بسیار مهم است امری که ترویج دموکراسی، حقوق بشر و حاکمیت قانون منافع اقتصادی و هنجارهای موردنظر اتحادیه اروپا را تأمین می‌کند (Hosoya, 2012: 333).

در طول سال‌های گذشته علی‌رغم اشتراکات زیاد این دو قطب قدرت امکان چندان برای همکاری نظامی نداشتند و تا مدت‌های زیادی روابط امنیتی اتحادیه اروپا و ژاپن منحصرراً به امنیت غیرنظامی بود که این حوزه شامل کمک‌های اقتصادی بود. به‌عنوان مثال در دهه ۹۰ میلادی ژاپن کمک قابل توجهی به بازسازی و صلح‌سازی در بالکان غربی نمود و از

آن زمان تاکنون نزدیک به ۲ میلیون دلار جهت بازسازی بالکان غربی نموده است (Berkofsky, 2010: 7). با تحولات چند سال اخیر ژاپن به نظر می‌رسد این مانع به صورت تدریجی از میان برداشته شود و ژاپن بتواند در کنار تعهدات اقتصادی و لجستیکی، مسئولیت نظامی را نیز بر عهده بگیرد. در همین راستا می‌توان پیش‌بینی کرد که اصلاحات قانون اساسی اجازه می‌دهد که دو طرف به مدیریت چالش‌های مشترک منطقه‌ای و بین‌المللی در دو بعد سستی (چین، روسیه، تهدیدات ناشی از کره شمالی) و غیر سستی (دزدی دریایی، حملات سایبری، عملیات حفظ صلح سازمان ملل، پناهندگان، افراط‌گرایی و تروریسم) بپردازند. مرور روابط ژاپن و اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر به خصوص پس از تفسیر قانون اساسی و لغو قانون ممنوعیت صادرات اسلحه توسط دولت ژاپن حکایت از افزایش روابط نظامی میان دو طرف دارد. به‌عنوان مثال پس از میان برداشتن ممنوعیت صدور تسلیحات، در سال ۲۰۱۲ ژاپن و انگلیس موافقت‌نامه همکاری نظامی امضا کرد (Shetler-Jones, 2012: 1). علاوه بر این دیدارهای مقامات اروپایی و مذاکرات در حوزه امنیت و نظامی به شدت افزایش یافته است. به‌طور مثال می‌توان به بازدید دبیر کل ناتو راسموسن در آوریل سال ۲۰۱۳ از ژاپن و صدور اعلامیه مشترک همکاری، دیدار فرانسوا اولاند رئیس‌جمهور فرانسه در ماه ژوئن ۲۰۱۳ و امضا سند مشترک همکاری‌های نظامی میان دو کشور اشاره کرد (Tsuruoka, 2013: 60-61). علاوه بر موافقت‌نامه‌های نظامی، در طی عملیات سپر اقیانوس در سال ۲۰۱۵ هواپیماهای گشتی ژاپن حدود ۶۰ درصد از نظارت‌ها و هشدارها در خلیج فارس و خلیج عدن را بر عهده داشتند و به کشورهای عضو ناتو در هماهنگ‌سازی عملیات دزدی دریایی کمک کردند (Fukushima, 2018: 4).

۳-۳-۳. آسیای مرکزی

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، بین کشورهای آسیای مرکزی و ژاپن روابط دیپلماتیک برقرار شد. در سال‌های پیش از هزار سوم روابط ژاپن و آسیای مرکزی حول مسائل مالی و دیپلماتیک می‌چرخید و ژاپن در این سال‌ها در جنبه‌های مختلف این منطقه به خصوص حمل نقل سرمایه‌گذاری‌های چند میلیارد دلاری انجام داده بود. به‌عنوان مثال در سال ۱۹۹۷، مفهوم دیپلماسی «یورو» یا جاده ابریشم برای سیاست ژاپن نسبت به آسیای مرکزی مطرح شد که دارای ساختار چند لایه بود: گفت‌وگوهای

سیاسی، همکاری اقتصادی، همکاری در عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای، دموکراتیزه کردن و حفظ ثبات. در سال‌های اخیر شاهد افزایش روابط ژاپن با این حال کشورها در سطح راهبردی هستیم. تصویر مثبت کشورهای آسیایی از ژاپن به دلیل حسن سابقه این کشور در سال‌های گذشته سبب شده است که روابط امنیتی این کشور با منطقه با استقبال بیشتری روبرو باشد (Rakhimov, 2014: 77-78).

۴-۳-۳. خاورمیانه

مهم‌ترین متغیرهای تعریف‌کننده ژاپن در خاورمیانه شامل انرژی و امنیت (تروریسم، دولت‌های شکست‌خورده)، رقابت با چین و منافع آمریکا در این منطقه می‌شود. انتظار می‌رود که پس از اصلاحات امنیتی در ساختار سیاسی و نظامی ژاپن شاهد افزایش حضور ژاپن در صحنه‌های سیاسی و امنیتی در خاورمیانه باشیم (Mason, 2016). گسترش حضور ژاپن در خاورمیانه و به تبع گسترش رقابت‌ها با چین، افزایش خریدهای تسلیحاتی کشورهای منطقه از ژاپن و رقابت چین با این کشور در حوزه فروش تسلیحات، انعقاد قراردادها و موافقت‌نامه‌های نظامی و... از جمله مهم‌ترین پیامدهای قابل پیش‌بینی ناشی از حضور ژاپن در خاورمیانه است.

۴-۳-۴. افزایش کنشگری ژاپن در روندهای منطقه‌ای و بین‌المللی

با توجه به پیچیدگی مسائلی که در عرصه جهانی روی داده است هر کشوری که این چالش‌ها را برطرف کند مورد استقبال جامعه جهانی واقع می‌شود. در این تعبیر ژاپن به‌عنوان یک تأمین‌کننده امنیت و نه مصرف‌کننده می‌تواند خدمات مهمی را به عرصه جهانی ارائه کند (Hosoya, 2015: 297). بر اساس تحولات روی داده در راهبرد امنیتی ژاپن سومین اقتصاد بزرگ دنیا قادر به اعزام نیروهای نظامی به خارج از کشور می‌شود و همین امر ژاپن را قادر به ایفای یک نقش جامع‌تر در امنیت جهانی که متناسب با منابع، منافع ملی و مسئولیت‌های بین‌المللی می‌نماید (Klingner, 2016: 1)؛ بنابراین می‌توان گفت که تفسیر جدید موجب تقویت ادراکاتی در افکار عمومی جهانی و منطقه‌ای می‌شود که ژاپن به لحاظ توانایی‌های زیاد در زمینه‌های اقتصادی و امنیتی می‌تواند

کنشگر مناسبی برای مشارکت در مسائل امنیتی جهانی و منطقه‌ای باشد. در ادامه به مهم‌ترین این حوزه‌ها اشاره می‌شود:

۱-۴-۳. عملیات حفظ صلح سازمان ملل

تحولات امنیتی به ژاپن اجازه می‌دهد که کمک‌های معنی‌دار بیشتری را به عملیات حفظ صلح چندملیتی در سراسر جهان کند (Klingner, 2016). این کشور که تا پیش‌ازین در عملیات حفظ صلح به صورت غیرنظامی مشارکت داشت از این‌پس می‌تواند در بعد نظامی نیز فعال شود. در همین راستا به‌عنوان بخشی از آنچه تحت عنوان قوانین جدید تصویب شد، نیروهای دفاع ژاپن در ماه نوامبر سال ۲۰۱۶ به جنگ داخلی در سودان جنوبی به‌عنوان بخشی از عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد فرستاده شدند. این عملیات نخستین باری بود که نیروهای دفاع از خود مجاز به شرکت در جنگ شده بودند (Mason, 2016).

۲-۴-۳. مبارزه با دزدی دریایی

در حوزه مقابله با تهدیدات نوین امنیتی شاید بتوان گفت دزدی دریایی حوزه نخستی بود که کاربست ابزارهای نظامی را به خود دیده است. افزایش توانایی‌های نظامی ژاپن این کشور را قادر می‌سازد تا نقش اصلی را در مأموریت‌های ضد دزدی دریایی ایفا کند و همکاری بیشتری با سایر کشورها ایفا کند. این عملیات که مدت‌هاست در مناطقی نظیر خلیج عدن در حال پیگیری است. با تحولات صورت گرفته می‌تواند با قدرت بیشتری ادامه پیدا می‌کند. این مسئله به‌خصوص در مناطقی نظیر خاورمیانه، افریقا و شرق آسیا به دلیل وابستگی مسائل امنیتی و انرژی بسیار برجسته می‌شود.

چنانچه پیش‌ازین رفت تا سال ۲۰۰۸، ژاپن نیروهای دفاع از خود برای مأموریت‌های انسان‌دوستانه و بازسازی در مناطقی نظیر عراق ارسال می‌شدند. تا پیش‌ازین تاریخ استقرار هرگونه نیروی نظامی در خارج از مرزها با مخالفت شدید روبرو می‌شد (Vosse, 2016:1) اما از سال ۲۰۰۹ شاهد تغییر در رویکرد مقابله با دزدی دریایی هستیم. پس از درک دزدی دریایی به‌عنوان یک تهدید علیه امنیت ملی پاسخ‌های

لازم اندیشیده شد (Hribernik, 2017: 1) و ما شاهد تصویب قانونی هستیم که اجازه حضور نیروهای دفاع از خود در فراتر از مرزها را می‌دهد. بر اساس این قانون (سال ۲۰۰۹) ژاپن می‌توانست از کشتی‌های تمام ملل در برابر دزدی دریایی محافظت کند علاوه بر این امکان استفاده از سلاح نیز وجود داشت (Japan Ministry of Defense, 2013: 244). از این سال به بعد برای نخستین بار شاهد اعزام نیروهای دفاع از خود به مأموریت چندجانبه ضد دزدی دریایی و تعامل با نیروهای غیر از ایالات متحده (همکاری با ۴۰ کشور دیگر) برای محافظت از کشتی‌های تجاری در خلیج عدن و ساحل سومالی هستیم (Vosse, 2016: 2).

۳-۴-۳. همکاری نظامی با ناتو

از چشم‌انداز مسائل نظامی - امنیتی همان‌گونه که بدان اشاره شد تصمیم اخیر ژاپن می‌تواند ناظر بر تمایل این کشور به همکاری‌های گسترده نظامی - امنیتی با کشورهای غربی عضو ناتو بوده و به‌عنوان پشتوانه‌ای برای اتحاد نظامی - امنیتی ژاپن و واشنگتن تلقی گردد مقامات ژاپنی فراتر از آسیا دستور کار بلندپروازانه‌ای را برای برقراری روابط نظامی با ناتو دارند. همکاری ژاپن با ناتو از یک سو امکان همکاری این کشور با اروپا در طرح توسعه سامانه‌های ضد موشکی را فراهم آورده و از سوی دیگر مسیر ناتو برای حضور در منطقه آسیا اقیانوسیه را هموار کرده است. افزایش همکاری ناتو با ژاپن مزایای متقابل یک شراکت امنیتی را برای ثبات منطقه‌ای را به نمایش می‌گذارد. در بلندمدت، همکاری ژاپن و ناتو می‌تواند در توسعه توانایی‌ها در زمینه‌هایی مانند مدیریت منازعات، کمک‌های بازسازی، امنیت سایبری و دیگر تهدیدهای فراملیتی و کمک‌های بشردوستانه و سودمند باشد. در این زمینه، ناتو در نقش یک مربی بزرگ و شریک برای ژاپن است که می‌تواند زمینه رشد نظامی ژاپن را فراهم کند. علاوه بر این، همکاری ناتو با شرکای آسیایی می‌تواند مرحله‌ای برای ساخت یک معماری امنیتی منطقه‌ای در آینده ایجاد کند این مسئله به این صورت است که پیشروی همکاری امنیتی منطقه با ناتو تا حد زیادی به ایجاد اعتماد به نفس بین بازیکنان شرق آسیا کمک خواهد کرد، زیرا ناتو در پیشرفت محیط امنیتی اروپا در طول ۶۵ سال گذشته موفق بوده است؛ بنابراین تحولات

امنیتی و نقش بیشتر ژاپن در امنیت منطقه‌ای و جهانی و گسترش روابط ژاپن و ناتو زمینه‌ساز تحولات اساسی در منطقه شرق آسیا خواهد بود (Watanabe, 2015). در جمع‌بندی نهایی، تغییر تدریجی در استراتژی‌های ژاپن و تعریف دامنه منافع دفاعی ژاپن گسترده‌تر از دفاع از مرزهای ملی می‌تواند باعث همکاری این کشور با اروپا در طرح توسعه سیستم‌های ضد موشکی، برقراری روابط امنیتی ژاپن با متحدین جدید، باز شدن مسیر ناتو برای حضور در منطقه آسیا-اقیانوسیه، کمک مؤثر و مناسب به تقویت هژمونی آمریکا، بهره‌گیری از ظرفیت‌های ژاپن در ارتقا صلح جهانی، افزایش نفوذ و نقش ژاپن در سایر مناطق نظیر خاورمیانه، آفریقا و آسیای مرکزی شود.

نتیجه‌گیری

در این مقاله به بررسی پیامدهای تحولات رخ داده در ساختار امنیتی ژاپن در سطح بین‌المللی پرداخته شد. در جمع‌بندی نهایی در رابطه با بعد مثبت و منفی تحولات امنیتی ژاپن باید گفت که این مسئله بستگی به نگاه و مخاطب متأثر از تحولات امنیتی ژاپن است. در بعد ملی اگرچه تقویت مواضع امنیتی نظامی ژاپن باعث افزایش بازدارندگی هسته‌ای کشور و ارتقا سطح امنیت ملی می‌شود اما از آنجایی که این مسئله در تعارض با روحیه صلح‌جویی ژاپنی‌ها است واکنش منفی افکار عمومی ژاپن را در پی داشته است. نگرانی از بازگشت نظامی‌گری به شاکله امنیتی ژاپن سبب شده است که مردم این کشور پیامدهای مثبت این تغییرات نظیر تقویت جایگاه ژاپن در حوزه تسلیحات، منافع اقتصادی حاصل از فروش تسلیحات، ... را نادیده بگیرند. در بعد بین‌المللی به نظر می‌رسد که با در نظر داشت این گزاره که ژاپن متحد اصلی آمریکا در منطقه و در مرکز سیستم هاب اسپوک آمریکا قرار دارد، تأمین منافع آمریکا در سطح منطقه و به تبع تقویت هژمونی آمریکا چه در سطح منطقه و چه در سطح بین‌المللی مهم‌ترین بخش متأثر از پیامدهای امنیتی ژاپن باشد که این مسئله مسلماً خوشایند دولت‌های مخالف نظم موجود نخواهد بود. در همین راستا می‌توان تغییر چشم‌انداز نظم منطقه‌ای در شرق آسیا را به تبع تغییرات امنیتی ژاپن پیش‌بینی کرد که در طی آن کنشگرانی نظیر چین و کره شمالی به دلیل تقویت کفه آمریکا و متحدینش واکنش منفی نشان خواهند داد.

در مقایسه نهایی پیامدهای تحولات امنیتی ژاپن به نظر می‌رسد در مقایسه با سطح ملی، جامعه بین‌المللی بیشتر متأثر از تحولات مثبت این کشور خواهد بود این مسئله نیز به دلیل کمک‌های مؤثری است که ژاپن به نگرانی‌های مشترک جهانی و مسائل همه‌گیر نظیر تروریسم، دزدی دریایی، حملات سایبری و ... می‌کند؛ بنابراین گسترش اختیارات ژاپن در عملیات‌های امنیتی و نظامی بین‌المللی فرصت مناسبی برای جامعه بین‌الملل است تا بتوانند از ظرفیت‌های نظامی سومین اقتصاد جهان برای بحران‌های امنیتی استفاده کنند.

بدیهی است که با روند در حال تغییر سیاست‌های امنیتی ژاپن، پیامدهای متأثر از سیاست خارجی ژاپن نیز تغییر خواهد گردید و ما شاهد حوزه‌های متفاوت متأثر از تحولات امنیتی ژاپن خواهیم بود. در پایان باید گفت که پیامدهای تحولات امنیتی ژاپن شاید در پاره‌ای از موارد در سال‌های نزدیک بسیار برجسته و عمیق نباشد اما مطمئناً با گسترش اصلاحات این پیامدها نیز عیان‌تر خواهند شد.

منابع

- Ben-Ari, Eyal, (2015). "Changing Japanese Defense Policies", the Begin Sadat Center for Strategic Studies, Bar-Ilan University, **Mideast Security and Policy Studies**, No. 112.
- Bendini, Roberto, (2015). Japan Foreign and Security Policy at a Crossroads, **European Union, Policy Department**, Retrieved from: [http://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/IDAN/2015/549065/EXPO_IDA\(2015\)549065_EN.pdf](http://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/IDAN/2015/549065/EXPO_IDA(2015)549065_EN.pdf)
- Bennett, Bruce W. (2014). Why Japan's Military Shift Is Necessary for South Korea, **RAND Corporation**, Retrieved from <https://www.rand.org/blog/2014/07/why-japans-military-shift-is-necessary-for-south-korea.html>
- Bergenwall, Samuel, Korkmaz, Kaan, Rydqvist, John, (2016). Japan's Defense and Security Policy - a Primer, **FOI report**, -R-4249—SE.
- Berkofsky, Axel, (2010). The EU's Relations with China, Japan and North Korea. Implications for the EU's Role and Engagement in Asian Security, **ISPI - Working Paper**, N. 36 – February.
- Buckley, Jason, (2017). Japan's new security agenda, **East Asia forum**, Retrieved from, <http://www.eastasiaforum.org/2017/08/19/japan-new-security-agenda/>

- Chelala, Cesar, (2015). Abe is wrong to rush toward militarization, **Japan Times**, Retrieved from <https://www.japantimes.co.jp/opinion/2015/08/15/commentary/japan-commentary/abe-wrong-rush-toward-militarization/#.WuCT35e-k2w>
- Coram, Shanisha, (2016). “ The Question of Remilitarization: Is Japan's Pacifist Nature in Danger of Reform”, Bachelor of Arts thesis, Politics and International Relations department.
- Corvese, Lauren, (2014). Reviving a Power in East Asia: Japanese Remilitarization, **The Northeastern University Political Review**, December 2, retrieved from <http://www.nupoliticalreview.com/2014/12/02/reviving-a-power-in-east-asia-japanese-remilitarization/>
- Dutta, Anushree, (2017). Japan's Remilitarization: Implications in East Asia, **The Centre for Land Warfare Studies (CLAWS)**, Retrieved from <http://www.claws.in/about-us.php>
- Fatton, Lionel Pierre, (2014). Japan's New Defense Posture What are the implications of Japan's constitutional reinterpretation on regional security dynamics? **The Diplomat**, July 10, retrieved from <https://thediplomat.com/2014/07/japans-new-defense-posture/>
- Fink, Kelly Therese, (2008). "Japan's Evolving Military: East Asia, the United States, and the International System". **Seton Hall University Dissertations and Theses (ETDs)**. 902. Retrieved from <https://scholarship.shu.edu/dissertations/902>
- Florescu E, Glenn JC, (2015). “ Environmental Security Rising on the International Agenda”, *Development, Environment and Foresight*, Vol. 1, No. 1, 6—23.
- Fukushima, Akiko, (2018). Global Security Challenges and Japan's National Security Thinking: Room to cooperate with the EU? **IAI Commentaries** 18 | 10 – February.
- Gannon, James. Sahashi, Ryo, (2015). Japan's Way Forward: The Prospects for Political Leadership and the International Implications, *in* Looking for Leadership: The Dilemma of Political Leadership in Japan, **Japan Center for International Exchange**.
- Garcia, Zenel, (2014). “China's Military Modernization, Japan's Normalization and its Effects on the South China Sea Territorial Disputes”, master thesis, Florida International University.
- Glosserman, Brad, (2016). Peak Japan and its implications for regional security, **The Australian Strategic Policy Institute (ASPI)**. Retrieved from

- <https://www.files.ethz.ch/isn/196438/Peak%20Japan%20and%20its%20implications%20for%20regional%20securit.pdf>
- Gray, Gavan P. (2013). Japan's Defense Build-up and its Meaning for Asia, **European Institute for Asian Studies**, Briefing Paper 2013/3.
- Green, Michael, Cooper, Zack, (2017). Shinzo Abe won big on Sunday. This is what it means for Japan's national security policy, **The Washington Post**, October 25, Retrieved from https://www.washingtonpost.com/news/monkey-cage/wp/2017/10/25/shinzo-abes-supermajority-leaves-3-big-questions-about-japans-security-policy/?utm_term=.6cf8823bfe98
- Herman, Arthur, (2016). The Awakening Giant: Risks and Opportunities for Japan's New Defense Export Policy, **Hudson Institute**, Retrieved from <https://www.hudson.org/research/13145-the-awakening-giant-risks-and-opportunities-for-japan-s-new-defense-export-policy>
- Hornung, Jeffrey W. (2018). Revising Japan's Peace Constitution: Much Ado about Nothing, **War on the Rocks**, Retrieved from <https://warontherocks.com/2018/03/revising-japans-peace-constitution-much-ado-about-nothing/>
- Hornung, Jeffrey W. & Mochizuki, Mike M. (2016). "Japan: Still an Exceptional U.S. Ally", **the Washington Quarterly**, 39:1, 95-116.
- Hornung, Jeffrey W , (2017.. Japan's Election Matters for U.S. Interests, The RAND Corporation, Retrieved from <https://www.rand.org/blog/2017/10/japans-election-matters-for-us-interests.html>
- Hosoya, Yuichi (2012). "The evolution of the EU-Japan relationship: towards a 'normative partnership'?", **Japan Forum**, 24:3, 317-337.
- Hosoya, Yuichi, (2015). "Japan's New Security Legislation: What Does This Mean to East Asian Security? " **American Foreign Policy Interests**, 37:296-302.
- Hughes, Christopher W. (2006). "Why Japan could revise its constitution and what it would mean for Japanese security policy". **Orbis**, Vol.50 (No.4). pp. 725-744
- Japan Ministry of Defense, (2013). Initiatives to Further Stabilize the International Security Environment, Retrieved from https://www.mod.go.jp/e/publ/w_paper/2013.html
- Karam, Joseph , (2015). Rising Sun: The Case for Japan's Military Normalization, **Foreign Policy Blogs**, Retrieved from <https://foreignpolicyblogs.com/2015/05/15/rising-sun-the-case-for-japans-military-normalization/>

- Kim, Thomas N. (2017). "Recent Japanese Legislation Unconstitutional: Reasons and Consequences", *Cornell International Law Journal*: Vol. 50: No. 1, Article 6.
- Kimijima, Akihiko (2006). 'Revisiting the Pacifism of the Japanese Constitution', 18 *Ritsumeikan Journal of International Studies* 617.
- Klingner, Bruce, (2016). Japanese Defense Reform Supports Allied Security Objectives, **The Heritage Foundation**, No. 3090.
- Liff, Adam P. (2015). "Japan's Defense Policy: Abe the Evolutionary", **the Washington Quarterly**, 38:2, 79-99.
- Liff, Adam P. (2017). "Policy by Other Means: Collective Self-Defense and the Politics of Japan's Postwar Constitutional Reinterpretations ", **Asia Policy**, Number 24, pp. 139-172.
- Lumumba-Kasongo, Tukumbi. (2010). **Japan-Africa relations**. New York: Palgrave Macmillan.
- Mason, Ra, (2016). *Japan's change in military outlook marks the end of a 'Peace State'*, **The Conversation**, December 22, retrieved from: <https://theconversation.com/japans-change-in-military-outlook-marks-the-end-of-a-peace-state-68864>
- Matton, Richard, (2009). Strategic Implication of Japan Amending its Constitution Strategy Research Project, **U.S. Army War College**.
- Mazumdaru, Srinivas, (2015). "What Japan's defense policy revision means ", **Deutsche Welle**, 16.07,2015, retrieved from: <http://www.dw.com/en/what-japans-defense-policy-revision-means/a-18589489>
- Mehta, Aaron and Kallender-Umezu, Paul, (2015). US, Japan Strike New Military Agreement, **Defense news**, April 27, retrieved from <https://www.defensenews.com/breaking-news/2015/04/27/us-japan-strike-new-military-agreement/>
- Mie, Ayako , (2016). Security laws usher in new era for pacifist Japan 'War legislation' raises regional, public fears amid lack of Diet opposition, **Japan times**, Retrieved from <https://www.japantimes.co.jp/news/2016/03/29/national/politics-diplomacy/japans-contentious-new-security-laws-take-effect-paving-way-collective-self-defense/#.WsS535e-k2x>
- Mito, Takamichi, (2008). "Japan's Constitutional Revision Debate under Prime Minister Abe Shinzō and its Implications for Japan's Foreign Relations", **Japanese Studies**, 28:1, 59-71.
- Mlombo, Abraham, (2012). "Contemporary and past dynamics in Japan's relationship with sub-Saharan Africa: the role of aid",

- Master Thesis in Arts (International Studies), Faculty of Arts and Social Sciences, Stellenbosch University.
- Mori, Satoru, (2015). The New Security Legislation and Japanese Public Reaction, **The Tokyo Foundation for Policy Research**, December 02, Retrieved from: <http://www.tokyofoundation.org/en/articles/2015/security-legislation-and-public-reaction>
- Moritsugu, Ken, (2017). Japan election results: Shinzo Abe scores major victory for ruling coalition and pledges to reform pacifist constitution, **Independent**, 23 October, Retrieved from <https://www.independent.co.uk/news/world/asia/japan-election-results-shinzo-abe-north-korea-pacifist-constitution-reform-liberal-democratic-party-a8014861.html>
- Nagy, Stephen R. (2017). "Japan's Proactive Pacifism: Investing in Multilateralization and Omnidirectional Hedging ", **Strategic Analysis**, Vol. 41, No. 3, 223–235.
- Okano-Heijmans, M. (2018). Reimagining Europe's partnerships with India and Japan: a new trilateral? **Netherlands Institute of International Relations 'Clingendael'**.
- Pajon, celine, (2017). Japan's security policy in Africa: The Dawn of strategic Approach? **French Institute of International Relations (IFRI)**, *Asie.Visions*, No. 93.
- Pollack, Jonathan D. , (2016). Changes and prospects for the structure of regional stability in East Asia: A U.S. perspective, **Brookings institute**, January 25, retrieved from <https://www.brookings.edu/on-the-record/changes-and-prospects-for-the-structure-of-regional-stability-in-east-asia-a-u-s-perspective/>
- Pryor, crystal. (2016). Japan's security policy under Abe: much ado about almost nothing? **Pacific Forum CSIS**, Number 33.
- Pyle, Kenneth, (2018). "Japan's Return to Great Power Politics: Abe's Restoration ", **Asia policy**, volume 13, number 2, pp. 69–90.
- Rakhimov, M. (2014). "Central Asia and Japan: Bilateral and Multilateral Relations ". **Journal of Eurasian Studies**, 5(1), 77–87.
- Sakata, Yasuyo, (2012). "Evolving Security Architecture and Agenda for Japan-China Cooperation ", **Tokyo foundation**, August 07, Retrieved from <http://www.tokyofoundation.org/en/topics/japan-china-next-generation-dialogue/evolving-security-architecture>
- Saltzman, Ilai Z. (2014). Japan's Pivot to Normalcy: Interpreting Tokyo's Security Policy Revolution, Government Department,

- Claremont McKenna College, *the FLACSO-ISA Joint International Conference*, Buenos Aires, and July 23-25
- Satake, Tomohiko, (2016). "The New Guidelines for Japan-U.S. Defense Cooperation and an Expanding Japanese Security Role", *Asian Politics & Policy*, Volume 8, Number 1—PP 27–38.
- Shetler-Jones, Philip, (2012). UK-Japan Defense Cooperation: Britain Pivots and Japan Branches Out, *Asia Pacific Bulletin*, No. 164.
- Smith, Sheila A. (2018). Nationalism, Japan, and a Changing Asia, **Council on Foreign Relations**, January 3, , Retrieved from <https://www.cfr.org/blog/nationalism-japan-and-changing-asia>
- Sugai ,Hiroyuki , (2016). Japan's future defense equipment policy, **Brookings**, October, Retrieved from <https://www.brookings.edu/research/japans-future-defense-equipment-policy/>
- Teslik, Hudson , (2006). Japan and Its Military, **The Council on Foreign Relations (CFR)**, April 13, retrieved from <https://www.cfr.org/background/japan-and-its-military>
- Tokuchi, Hideshi, (2016). Japan's New Defense Policy and Its Implication for the Regional Security, **GRIPS Forum Speech**, Retrieved from http://www.grips.ac.jp/cms/wpcontent/uploads/2016/04/160418GRIPSForum_web_EN.pdf
- Torio, Lisa, (2017). Abe's Japan Is a Racist, Patriarchal Dream, **Jacobin magazine**, retrieved from <https://www.jacobinmag.com/2017/03/abe-nippon-kaigi-japan-far-right>
- Tsuruoka, Michito, (2013). "The UK, Europe and Japan", **the RUSI Journal**, 158:6, 58-65.
- Tsuya N. Noriko, (2012). The impacts of population decline in Japan: demographic prospects and policy implications, *Suntory Foundation Research Project, Forum 005 Special Report*. Suntory foundation. – 2012. – P. 1-8.
- Vosse, Wilhelm, (2016). Japan-EU Security Cooperation in Out-of-Area Missions: The Case of the Counter-Piracy Mission Off the Coast of Somalia, **International Studies Association Asia-Pacific Conference**, Hong Kong, June 25-27.
- Watanabe, Tsuneo, (2015). Japan's Security Strategy toward the Rise of China From a Friendship Paradigm to a Mix of Engagement and Hedging, **Tokyo Foundation**, Retrieved from <http://www.tokyofoundation.org/en/articles/2015/security-strategy-toward-rise-of-china>

- Withitwinyuchon, Nutthathirataa, (2016). "Japan's New Defense Policy: Identity Change or Strategic Shift", **International Journal of Social Science and Humanity**, Vol. 6, No. 3, March.
- Yoshihide, Soeya, (2004). Japan in East Asia: Changes in the 1990s and New Regional Strategy, **RIETI Discussion Paper Series** 04-E-013, Retrieved from <https://www.rieti.go.jp/jp/publications/dp/04e013.pdf>
- You, Chaekwang, (2015). "Explaining Japan's Shift to Foreign Policy Activism: Security Challenges and Perverse Political Accountability", **International Relations and Diplomacy**, Vol. 3, No. 5, 313-328

